

«سخنی در باره ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی»

اصحاب دعوی یا وکلای آنان با استناد ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی میتوانند تقاضای تأخیر جلسه کنند و ماده مذکور حاکی است: «دادگاهها میتوانند جلسه دادرسی را با رضایت متداعین بتأخیر اندازند» باید دید اگر اصحاب دعوی یا وکلای آنان تقاضای تجدید جلسه کنند دادگاه ملزم بقبول در تجدید است یا خیر؟ پاسخ چند مطلب بایستی روشن شود:

۱ - میتوانند چگونه اختیاری است دادگاه معخیر است یا ملزم؟

۲ - تأخیر همان تجدید است؟

۳ - منظور تأخیر جلسه همان تجدید جلسات متعدد است یا یک جلسه؟

اینک پاسخ بهریک از سه سؤال:

۱ - بنظر میرسد باتوجه بکلمه «میتوانند» در ماده ۱۲۷ / این اختیار

بطور مطلق در دست اصحاب دعوی نیست که برای همیشه با رضایت جلسه دادرسی را بتأخیر اندازند بلکه دادگاهها میتوانند تقاضای تأخیر را نپذیرند و کلمه میتوانند دادگاهها را معخیر کرده است که جلسه دادرسی را با رضایت متداعین بتأخیر اندازند و یا قبول نکنند و الزامی در این ماده نیست که دادگاهها ملزم هستند بپذیرند بلکه ممکن است تقاضای تأخیر جلسه را نپذیرند و جلسه دادرسی را بتأخیر نیندازند.

۲ - در مورد کلمه «تأخیر» گرچه همه دادگاهها کلمه «تأخیر» را

تعبیر و حمل بر تجدید جلسه دادرسی میکنند یعنی هر وقت متداعین توافق و تراضی به تجدید جلسه دادرسی کردند دادگاه جلسه را تجدید میکند، این تردید و شک پیش میآید که در وضع ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی و با گنجاندن کلمه «تأخیر» در ماده مذکور شاید نظر نهائی بتجدید جلسه نبوده است که وکلاء یا اصحاب دعوی که شخصاً دخالت میکنند برای همیشه بتوانند پرونده را تجدید جلسه کنند بلکه منظور این بوده است که جلسه دادرسی را بتأخیر اندازد و احتمالاً اگر نظرسازش و یا مذاکره اصلاحی است وقت طولانی شود و در این فرجه نتیجه

مطلوب حاصل شود و الا امکان داشت صراحتاً در ماده ۱۲۷ قید شود که داد گاهها میتوانند جلسه دادرسی را با رضایت متداعین «تجدید» نمایند مؤید این نظر تفاوت معنی لغوی تجدید و تأخیر است زیرا تجدید و تأخیر از نظر لغوی هر یک معنی خاص دارد تجدید یعنی از نو آغاز کردن، تازه کردن، از سر گرفتن و تأخیر یعنی دیر کردن، دنبال انداختن و مؤخر قرار دادن است و در اصطلاح عمومی نیز تأخیر بمعنی تجدید نیست.

۳- ماده ۱۲۷ حاکی است داد گاهها میتوانند «جلسه» دادرسی را..... الخ از ذکر کلمه جلسه برمیآید که بلکه نظر بر یک جلسه بوده است نه جلسات متعدد و قانونگذار جلسه را بلفظ مفرد استعمال کرده نه بلفظ جمع و اگر نظر کلی قانونگذار بر تجدید جلسات برای همیشه با اختیار و توافق اصحاب دعوی بود ممکن بود بگوید: «داد گاهها میتوانند جلسات دادرسی را... الخ» و این یک امر دستور کلی برای محاکم و اصحاب دعوی بود که بحکم قانون مستداعین همیشه بتوانند توافق بتجدید جلسه نمایند ولی وجود کلماتی مثل «میتوانند» و «جلسه» و «تأخیر» ماده ۱۲۷/ را از یک دستور کلی خارج کرده است و برمیآید که نظر بر یک جلسه تأخیر است نه جلسات تجدید متعدد.

۴- با این مقدمه میشود گفت بموجب ماده ۱۲۷ در صورت تراخی متداعین داد گاهها میتوانند جلسه را بتأخیر اندازند بدون آنکه تجدید جلسه کنند یعنی طرفین بعلت آنکه مثلاً مذاکره آنان باتمام نرسیده و یا نتیجه حاصله بدست نیامده و یا تأخیر وقت امکان حصول سازش را دارد تقاضای تأخیر جلسه را میکنند و داد گاه جلسه دادرسی را بتأخیر میاندازد برای روز و ساعت دیگری بدون آنکه بموجب دفتر اوقات وقت معمولی دیگر داده شود که بحساب تجدید جلسه آید و این تأخیر برای یکبار صورت میگیرد و با توجه بسایر مواد قانون آئین دادرسی که داد گاهها را ملزم بصدور رأی و اتخاذ تصمیم کرده و از رکود و بطوه کار و تجدید جلسه حتی در صورت فوت یا استعفاء و یا عزل و یا ممنوع شدن و یا تعلیق از وکالت و یا بازداشت وکیل در صورتیکه توضیحی لازم نباشد ممنوع نموده است بنظر میرسد قانونگذار نمیخواسته باستناد ماده ۱۲۷ تمام جلسات رسیدگی را بتأخیر اندازد و برای همیشه اصحاب دعوی و یا وکلاء آنان بتوانند پروندهها را تجدید جلسه نمایند.

۵ - و اما استدلال دیگری نیز میشود بدین توضیح که تأخیر جلسه دادرسی مستلزم تجدید جلسه است و تأخیر جلسه اگر در تمام پرونده‌ها احتمالاً از اصحاب دعوی پذیرفته شود و پرونده طبق دفتر اوقات بنوبت تجدید جلسه و تعیین وقت نشود رسیدگی غیر ممکن و نخواهد بود و نظم دادرسی بهم می‌خورد و ترتیب کار را دادن صورت ساده‌ای نخواهد داشت و بالنتیجه برای پیدایش راه حل بایستی بتجدید جلسه متوسل شد، پس لازمه تأخیر جلسه، تجدید جلسه است، ذیل ماده ۱۴۶/ قانون آئین دادرسی مدنی مؤید این نظر است: « در صورتی که مدعی علیه بواسطه کمی مدت یادلایل دیگر نتوانسته باشد اسناد خود را حاضر کند حق دارد تأخیر جلسه را بخواهد و هرگاه دادگاه خواهش او را مقرون بصحت دانست جلسه دیگر معین میکنند و دیگر تجدید جلسه جایز نیست مگر بتراضی متداعین ».

۶ - این نکته نیز ناگفته نماند که کلمه میتوانند دادگاهها را صدد در صدم معیر در قبول یا عدم قبول نکرده بلکه بجهتی دادگاهها ملزم بقبول هستند و مأذون در عدم قبول نمیباشند زیرا با قبول این نظر که دادگاهها نمیتوانند جلسه دادرسی را بتأخیر اندازند ولی میتوانند با رضایت متداعین بتأخیر اندازند (ماده ۱۲۷) و در صورت تقاضای متداعین ملزم بقبول هستند وجود حرف اضافه ب است بر روی کلمه تأخیر زیرا با توجه بحرف اضافه ب بر روی تأخیر که کلمه فعل مصدر است و حرف ب بر سر برخی از افعال در آید بمعنی تأکید بکار میرود میرساند که اضافه شدن حرف ب بر روی کلمه فعل تأخیر تأکید بتأخیر میشود و چون تأکید میشود پس دادگاه را ملزم بقبول تأخیر جلسه میکنند و دادگاه معیر بقبول یا عدم قبول نیست.